



Psychological analysis and investigation of selected Azerbaijani Turkish proverbs

Sakineh Pirak * 1

Received: 31/12/2023
Accepted: 24/05/2024

* Corresponding Author's E-mail:
pirak@pmu.ac.ir

Abstract

Nowadays, with the progress of science and the emergence of new scientific theories, literature and literary works have also taken on a practical dimension. The study of literary works based on psychological theories is one of the new scientific methods proposed by thinkers and thinkers. However, studies examine folktales, legends, anecdotes and proverbs to realize different hidden historical perspectives and spiritual and psychological characteristics of different ethnic groups. In the field of proverbs of the nations, a number of studies have been conducted which surveyed "the linguistic role of women in the creation and spread of oral literature by looking at the stories, play songs, lullabies and couplets of the people of Kerman". In particular, Sarahi (2017) examined the position of women in Turkish proverbs. Considering the conducted research, it becomes evident that no comprehensive study has been done on Turkish proverbs based on psychological analysis. In addition, since psychology is one of the main categories in understanding the mind and human behavior, the current research tries to reveal the important

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payam-e- Nour University, Tehran, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0001-7531-9516>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY- NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



and invisible psychological issues and factors lying in the hidden and deep layers of proverbs by psychologically examining and analyzing the proverbs.

Keywords: proverb; Turkish; psychological analysis.

The purpose of the study and research questions

In addition to expressing the themes of judgment, education and morality, the psychological investigation and analysis of Turkish proverbs provides valuable information in the field of understanding persons, individual differences, motivation and excitement, social actions and behaviors, psychological conflicts, mood, individual and social personality. These issues provided by their speakers can be investigated with psychological theories.

The current research aims to answer the following questions by examining proverbs which manifests the psychological processes:

1. Why do people use proverbs?
2. How do human experiences and intellectual reserves create proverbs?
3. How are the educational and moral effects of parables?

Discussion

Among distinct branches of Turkish popular literature, proverbs which are considered national treasures, their historical and cultural aspects play a special discourse role among the Turkish people with their amazing range. These short and simple statements contain themes that are often related to the fields of study of other sciences and have a considerable influence on people's thoughts and behavior. Furthermore, according to psychoanalysis, in fact, literature and all types of art are mainly the product of self-awareness that is active in the writer and reader and even in the whole society according to some contemporary psychoanalyst literary critics (Tysen, 2017, p. 69).



Culture and Folk Literature

E-ISSN:2423-7000

Vol. 12, No.58

September -October 2024

Research Article



Psychology seeks the knowledge of the human mind and behavior as people bring their inner personality and mood to the fore in their external manifestations, such as behavior, actions, and speech. Since the process of literary creation is a completely psychological thing, on the one hand, and literary works, including proverbs, display a manifestation of the thought and personality of their creator, on the other hand, the current research investigates the psychological and moral aspects of proverbs among the other scientific and cultural aspects of Turkish proverbs and sayings. Moreover, the present study tries to evaluate and identify the psychological processes in proverbs and sayings, the personality of people, their psychological actions and reactions and their defense mechanisms so as to analyze the effects and features of behavior such as failure, fear, anxiety, self-esteem, etc. Then, for each of the mentioned issues, one example will be provided. In other words, the present research tries to reveal the important and invisible psychological factors that lie in the hidden and deep layers of parables. It is worth mentioning that the proverbs examined in this research are from the book of *Azerbaijan Proverbs*, authored by Habib Majidi Zolbanin, and the book of *Hikmat-i-Masallar* by Tohid Maboudi.

Conclusion

The psychological study of Turkish proverbs shows that proverbs can introduce us to a variety of personality traits, heredity, growth and social judgments, and the methods of education and parenting of the past. The study of the cultural manifestations of the Turkish language including the analysis of proverbs provides valuable information in the field of learning of people, individual differences, motivation and excitement, social actions and behaviors, psychological conflicts, and the nature of the mood besides the expression of judgmental, educational and moral themes. In addition, the individual and social



Culture and Folk Literature

E-ISSN:2423-7000

Vol. 12, No.58

September -October 2024

Research Article



personality of their speakers can often be investigated with psychological scientific theories. The current research shows that the existence of a considerable number of Turkish proverbs with psychological perspective indicates that the speakers of the proverbs were familiar with the educational bases and mental and psychological characteristics of people. Thus, compared to the scientific experiences of their time, they had the best and highest moral and educational themes which have been expressed

References

- Maabood, T. (2008). *Hekmat Li Meslr*. Atai.
- Majidi Zolbanin, H. (2010). *Proverbs of Azerbaijan*. Ekbatan.
- Tyson, L. (2008). *Theories of contemporary literary criticism* (translated by M. Hosseinzadeh). Negah Emroz.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۱۲، شماره ۵۸، مهر و آبان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های ترکی آذربایجانی

سکینه پیرک^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰) (پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴)

چکیده

امروزه با پیشرفت علوم و پیدایش نظریه‌های جدید علمی، ادبیات و آثار ادبی نیز چهره کاربردی به خود گرفته‌اند. مطالعه آثار ادبی براساس نظریه‌های روان‌شناختی، از شیوه‌های جدید علمی است که مطمح نظر اندیشمندان علمی و تحقیقی قرار گرفته است و محقق از رهگذر بررسی و مذاقه در قصه‌ها، افسانه‌ها، حکایات و امثال و حکم بومی و ملی و با تکیه بر روش‌های روان‌شناختی، بسیاری از زوایای پنهان تاریخی و خصوصیات روحی و روانی اقوام مختلف را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، نشان می‌دهد که مثل‌ها می‌توانند ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی، وراثتی، رشد و قضاوت‌های اجتماعی و روش‌های تربیتی و فرزندپروری گذشتگان آشنا سازند. بررسی و تحلیل روان‌شناختی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*pirak@pnu.ac.ir
<http://www.orcid.org/0000-0001-7531-9516>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY - NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

ضربالمثل‌های ترکی، علاوه بر بیان مضامین حکمی، تربیتی و اخلاقی، اطلاعات ارزشمندی را در زمینهٔ یادگیری افراد، تفاوت‌های فردی، انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی، تعارضات روان‌شناختی، چگونگی خلق و خوی، شخصیت فردی و اجتماعی گویندگان آن‌ها، در اختیار می‌گذارد که با نظریه‌های علمی روان‌شناختی قابل بررسی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای از مثل‌های ترکی با دیدگاه‌ها و پایه‌های روان‌شناختی حاکی از آن است که گویندگان مثل‌ها با مبانی تربیتی و خصلت‌های روحی و روانی افراد آشنایی داشته و نسبت به تجربیات علمی زمان خود، بهترین و والاترین مضامین اخلاقی و تربیتی را بیان کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ضربالمثل، ترکی، تحلیل روان‌شناختی.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه با ابعاد گستردهٔ خود، منبعی مهم در شناخت افکار، باورها، اندیشه‌ها و تنوع زندگی هر قوم و ملتی به شمار می‌آید. در واقع ادبیات مردمی یا ادب شفاهی، میراث معنوی و سنت‌های داستانی، غیرداستانی و نمایشی مردم است که عمدهاً به‌شکل شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و شامل مجموعه‌ای عظیم از ترانه‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها، اساطیر، مثل‌ها و ضربالمثل‌های است. در میان این مجموعه عظیم از ادب شفاهی، ضربالمثل‌ها شعبهٔ مهمی از ادبیات هر زبان و نمایندهٔ ذوق فطری، قریحهٔ ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان هستند. سید احمد پارسا در کتاب بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی، سعی کرده است با مطالعه و بررسی دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان و مثل‌پژوهان در زبان‌های عربی، انگلیسی، کردی و فارسی، ضمن طبقه‌بندی آن‌ها در چهار رویکرد بی‌تعریفی، تشییه،

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

اندرزگونگی و استعاری، به نقد و بررسی این دیدگاه‌ها بپردازد. پارسا در رویکرد
بی‌تعریفی بیان می‌کند که:

برخی چون آرکر تایلور، میدر، پیتر گریزیک و دهخدا بر این باورند که مثل
تعريفناپذیر است و نمی‌توان تعریف درستی از آن ارائه داد. آرکر تایلور معتقد
است که: تعریف یک مثل، چنان سخت است که شاید نتواند آنچه را که دربر دارد،
نشان دهد. یک حالت غیرکلامی به ما می‌گوید که این جمله یک مثل است نه چیز
دیگر در رویکرد تشییه که قدیمی‌ترین رویکرد به مثل است. شباهت بین وضع
موجود با مثل، معیار قرار داده می‌شود. مبرد معتقد است: «مثل از مثال گرفته شده و
آن گفتاری رایج است که به وسیله آن حال دوم را به حال اول یعنی حالت موجود
را به حالتی که سابق بر آن و شبیه بدان بوده است، تشییه می‌نمایند. در رویکرد
اندرزگونگی، شایع بودن آن در میان مردم و داشتن پیام پند و اندرز را به طور
هم‌زمان، شرط مثل بودن دانسته‌اند. بهمنیار در این زمینه می‌گوید: مثل جمله‌ای
است مختصر مشتمل بر تشییه با مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ،
روشنی معنی و لطفات ترکیب بین عame مشهور شده است و آن را بدون تغییر یا
با تغییر جزئی در محاورات خود به کار می‌برند. در رویکرد استعاری، بر وجه
استعاری مثل تأکید شده است و چنین بیان می‌شود که مثل یک گفته مختصر و
مفید در کاربرد معمول و مشخص، یا یک جمله موجز است که اغلب به صورت
استعاری و آهنگین، به منظور بیان برخی حقایق به کار می‌رود که تجربه یا
مشاهده‌ای که برای همگی آشناست آن را معین می‌کند (پارسا، ۱۳۹۴، صص.
.۸_۱۳).

وقتی که امثال جاریه بین یک ملت را به دقت مطالعه و در نکات و دقایق آن
تأمل کنیم طوری از طرز زندگانی اجتماعی و انفرادی، درجه تربیت و تمدن، پایه
ترقی و تنزل، رسوم و عقاید، احساسات و تصورات آن ملت مطلع می‌شویم که

گویی سال‌ها با افراد طبقات مختلف آن، شریک زندگی و رفیق شب و روز بوده‌ایم
(بهمنیار، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

شاید بتوان گفت که ضربالمثل‌ها کهن‌ترین نوع ادبیات شفاهی هستند که همواره بشر را در روشن‌تر کردن مفاهیم و ادراکاتش یاری داده‌اند (همان، ص. ۱۵)؛ زبان ساده و بی‌پیرایه هر قومیتی که، فرهنگ و اندیشه موجود در جامعه، آن را می‌سازد و پرورش می‌دهد. البته «گاهی این گفتارهای حکیمانه با خرافات، احساسات و اندیشه‌های خام و افسانه‌ای ظاهر می‌شوند که همگی نشان‌دهنده عمق و گستره نوع احساسات و باورهای علمی یا غیرعلمی و افسانه‌ای گذشتگان است» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۸۶).

از میان شاخه‌های مختلف ادبیات عامه ترکی، ضربالمثل‌ها که از گنجینه‌های ملی و مفاخر تاریخی و فرهنگی اقوام ترک به‌شمار می‌رود، با گستره اعجاب‌انگیز خود، نقش گفتمانی ویژه‌ای در میان اقوام ترک، ایفا می‌کند. این جملات کوتاه و ساده، شامل مضامینی هستند که اغلب با حوزه‌های مطالعاتی علوم مختلف در ارتباط هستند و تأثیر بسیار عمیقی بر افکار و اعمال افراد می‌گذارند؛ «از نظر روان‌کاوی، ادبیات و دروایع تمام اقسام هنر، عمدتاً محصول نیروی خودآگاهی هستند که در نویسنده و خواننده و به زعم برخی از متقدان ادبی روان‌کاو معاصر، حتی در کل جامعه در حال فعالیت است» (تایسن، ۱۳۸۷، ص. ۶۹). موضوع روان‌شناسی، شناخت ذهن و رفتار انسان است و افراد، شخصیت و خلق و خوی درونی خود را در تظاهرات و جلوه‌های بیرونی خود، مانند رفتار، کردار و گفتار به منصة ظهور می‌رسانند. از آنجا که فرایند آفرینش ادبی امری کاملاً روانی است و آثار ادبی و از جمله ضربالمثل‌ها، جلوه‌های از اندیشه و شخصیت پدیدآورنده خود را به نمایش می‌گذارند، پژوهش حاضر، از میان جنبه‌های مختلف علمی و فرهنگی امثال ترکی، به جنبه روان‌شناختی و اخلاقی ضربالمثل‌ها

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

می‌پردازد و سعی می‌کند تا با ارزیابی و شناسایی فراکردهای روان‌شناختی موجود در امثال و حکم، شخصیت افراد، کنش‌ها و واکنش‌های روانی و مکانیسم‌های دفاعی آنان، جلوه‌ها و جنبه‌های رفتاری مانند: ناکامی، ترس، اضطراب، عزت نفس و ... را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و برای هریک از فرایندهای ذکر شده، از امثال و حکم آذربایجانی شاهد مثال بیاورد. به عبارت دیگر پژوهش حاضر سعی می‌کند مسائل و موضوعات مهم و ناپیدای روان‌شناختی را که در لایه‌های پنهان و عمیق مثل‌ها نهفته است، آشکار سازد.

۱- بیان مسئله و ضرورت پژوهش

یکی از ویژگی‌های آثار ادبی، ایجاد انفعالات درونی و نفسانی در مخاطب است. تأثیر روانی یک اثر ادبی بر مخاطبانش، نشان‌دهندهٔ پیوند نزدیک روان‌شناسی و ادبیات است. با مطالعه علمی و روان‌شناسانه آثار ادبی از جمله ضربالمثل‌ها، بسیاری از نکات و مسائل مهم اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و اخلاقی گذشتگانمان که در لایه‌های تاریک و ناپیدای تاریخ گم شده‌اند، آشکار می‌شود. در پژوهش حاضر نیز از طریق مطالعه ضربالمثل‌هایی که جلوه‌هایی از فراکردهای روان‌شناختی در آن‌ها مشهود است، با نوع افکار، اندیشه‌ها، آمال و آرزوها و احساسات دور و دراز اقوام ترک آشنا می‌شویم و می‌فهمیم که چرا آدمی به بیان ضربالمثل‌ها روی آورده است و تجارت و اندوخته‌های فکری انسان، چگونه باعث ایجاد ضربالمثل‌ها شده است؛ و جلوه‌های تربیتی و اخلاقی در ضربالمثل‌ها چگونه است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در مورد ضربالمثل‌های اقوام مختلف، پژوهش‌های گوناگون و متنوعی انجام گرفته است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ذوق‌قاری و باقری (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناسی ضربالمثل‌ها در افسانه‌های پهلوانی فارسی» به بررسی ۵۰۰ ضربالمثل از ۳۰ افسانه پهلوانی منظوم و منتشر از قرن ششم تا پایان دوره قاجار به منظور ارائه چشم‌اندازی زبانی - جامعه‌شناسی می‌پردازند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که ضربالمثل‌های مورد بررسی را می‌توان از نظر موضوعی به چهار دسته کلی دنیا، بخت و اقبال؛ مسائل اجتماعی؛ سیاست و حکومت و اندرزهای اخلاقی تقسیم‌بندی کرد. در این ضربالمثل‌ها گاه رگه‌هایی از اندیشه‌های مردسالارانه و زن‌ستیزانه دیده می‌شود.

خسروی نژاد (۱۳۹۱) در مقاله «نقش زبانی زنان در پیدایش و رواج ادبیات شفاهی با نگاهی به قصه‌ها، ترانه‌های بازی، لالایی‌ها و دویتی‌های مردم کرمان» سعی دارد با بررسی امکانات بنیادین قصه‌ها، لالایی‌ها، ترانه‌های بازی و دویتی‌ها، وجوده تازه‌ای از زبان‌شناسی جنسیت را در ظهور چنین آثاری جست‌وجو کند و برای محدود کردن موضوع، استان کرمان را مد نظر قرار داده است.

موحد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناسی از ضربالمثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس» نشان داده‌اند که در این جامعه هیچ گونه نقش اجتماعی یا حرفه‌ای به جز مادر و همسر بودن برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود. آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضربالمثل‌های لری» نتیجه گرفته که ضربالمثل‌ها به لحاظ مضمونی در مقوله‌های مختلف توسعه‌ای گنجانده شده و تعداد فراوانی از ضربالمثل‌ها و هم جهت‌گیری مثبت و منفی مضمون هر یک از آن‌ها با توسعه، واکاوی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ تکرار، توصیه به عقل‌گرایی،

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

ارزش‌های اخلاقی مؤید کار، گرایش به جمع‌گرایی، محافظه‌کاری و تقدیر‌گرایی در میان مثل‌ها، بیشترین تکرار را داشته‌اند.

عزیزی فرد (۱۳۹۲) در مقاله «زیبایی‌شناسی ضربالمثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان» با روش توصیفی - نظری ضربالمثل‌ها را از نظر میزان کاربرد آرایه‌های ادبی و عناصر خیال ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که زیرساخت بیشتر ضربالمثل‌ها بر پایه تشبيه و استعاره است و از تمامی ظرفیت‌های علم بیان در آن‌ها استفاده شده است که این مسئله نشان از قدرت خیال‌پردازی گویندگان آن دارد و در مواردی برای درک برخی صناعات ادبی، آشنایی با بافت فرهنگی آن منطقه ضروری است.

نوین (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل روان‌شناختی امثال و حکم فارسی» بیان می‌کند که مطالعه امثال و حکم از منظر «روان‌شناختی»، ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی، وراثت، و با رشد و قضاوت اجتماعی و روش‌های فرزندپروری گذشتگان آشنا می‌سازد. همچنین مثل‌ها در زمینه‌های یادگیری افراد، شخصیت، تفاوت‌های فردی، انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی آنان، اطلاعات گران‌بهایی را در اختیار ما قرار می‌دهند و اغلب این گونه جلوه‌های روان‌شناختی با نظریه‌های علم امروزی قابل بررسی و تطبیق است.

خسروی شکیب (۱۴۰۲) در مقاله «ضربالمثل؛ ابزاری فرهنگی برای تنظیم و شکل‌دهی به رفتار جمعی» تلاش می‌کند تا با روش تحلیل کیفی و توصیف، به این مسئله بپردازد که ضربالمثل‌ها با «عقلانی‌سازی»، «نهادینه‌سازی» و «ساخت‌گرایی»، رفتارهای فردی را با رفتارهای جمعی همسو می‌کنند. مبانی و کارکرد ضربالمثل‌ها، نشان‌دهنده ظرفیت و توانایی آن‌ها برای نظارت و کنترل رفتارهای اجتماعی است.

عزتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضربالمثال‌های ترکی» نشان می‌دهند که تقریباً تعداد بازنمایی‌های مثبت و منفی از زن در ضربالمثال‌های ترکی به یک میزان است، اما در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خشی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری است. تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضربالمثال‌های ترکی به ندرت دیده می‌شود. قدرت نه تنها بین زن و مرد، بلکه بین زنان نیز براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، تقسیم شده است.

مطالعه پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات و مطالعاتی که در زمینهٔ ادبیات شفاهی و فولکلوریک زبان ترکی به خصوص ضربالمثال‌ها، انجام گرفته، بسیار ناچیز است و تاکنون هیچ مطالعه و تحقیق جامعی از نوع تحلیل روان‌شناختی بر روی ضربالمثال‌های آذری صورت نگرفته است؛ و از آنجا که روان‌شناسی یکی از مقولات اصلی در شناخت ذهن و رفتار انسانی است، لذا پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل روان‌شناسانهٔ ضربالمثال‌ها سعی می‌کند تا مسائل و موضوعات مهم و ناپیدای روان‌شناختی را که در لایه‌های پنهان و عمیق مثل‌ها نهفته است، آشکار سازد. گفتنی است ضربالمثال‌های بررسی شده در این پژوهش از کتاب ضربالمثال‌های آذربایجان، نوشتهٔ حبیب مجیدی ذوالین و کتاب حکمت‌لی مثل‌لر، اثر توحید معبدی است.

۳. مباحث نظری و تعاریف

۳-۱. یادگیری

یادگیری که تمام جنبه‌های مختلف حیات بشری را دربر می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. یادگیری در بدرو امر، فراگیری یا به تصرف در آوردن دانش تلقی می‌شود که گویای نوعی تغییر در داشته‌هاست (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۵).

تحلیل و بررسی روان‌شناسخنگی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

معروف‌ترین تعریف دربارهٔ یادگیری، تعریف کیمبل، روان‌شناس معروف، است. او می‌گوید: «یادگیری فرایند تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری می‌باشد که در نتیجهٔ تمرین تقویت شده است» (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۰).

۳-۱-۱. انواع یادگیری

۳-۱-۱-۱. نظریهٔ شرطی شدن

شرطی شدن کلاسیک نوعی یادگیری است که تأثیر عمدات در مکتب فکری روان‌شناسی دارد و نخستین بار توسط ایوان پاولف، فیزیولوژیست روسی، پیشنهاد شده است. «پاولف با انجام یک آزمایش از یادگیری، عکس‌العمل پاسخ‌گر یا شنووند را که در موعد مقرر، از خود نشان می‌دهد، ارزیابی کرد» (همان، ص. ۱۲۸). در این نوع یادگیری شخص یاد می‌گیرد که بین یک محرك بی‌اثر، با یک پاداش یا تنبیه، ارتباط برقرار کند و فرایند یادگیری از طریق ارتباط بین محرك طبیعی و محرك محیطی اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از این نوع یادگیری، در ضربالمثل‌های ترکی بررسی می‌شود

ایلان سانجان آلا ایپتنده گرخار Ilân sânjân âlâ iptendâ gorxâr

برگردان: مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۸).

درواقع این ضربالمثل به شرایطی اشاره دارد که در مواجهه با شرایط مشابه ناخوشایندی که در گذشته اتفاق افتاده است، بیش از اندازه احتیاط به خرج دهیم؛ درست مانند مارگزیده‌ای که در مقابل ریسمان سیاه و سفید شرطی شده است و با دیدن آن از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد.

ایت قولاغین کسنن گورخار It qülâyin ḳṣṇ gorxâr

برگردان: سگ از کسی که گوشش را بریده است، می‌ترسد (همان، ص. ۳۱۷).

سگ بهسبب شرایط ناخوشایندی که بهوسیلهٔ فردی برای او اتفاق افتاده است، نسبت به تمامی افراد شرطی شده است و با دیدن هر آدمیزادی، دچار ترس می‌شود و از خود عکس العمل نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، دیدن آدمیزاد به عنوان یک محرك شرطی، باعث بروز پاسخ شرطی ترس و اضطراب در سگ می‌شود.

۲-۱-۳. یادگیری از نوع تعمیم و تمیز

پاولف در بررسی‌های آزمایشگاهی خود درمورد تعمیم و تمیز می‌گوید: تعمیم عبارت است از گسترش پاسخ از محرك‌های اولیه به محرك‌های مشابه؛ فرایندی که طی آن، پاسخ یادگرفته شده در حضور محركی خاص، در شرایط دیگر و در حضور محرك‌های دیگر نیز بروز کند. به عبارت دیگر:

تعمیم به تمایل فرد برای پاسخ دادن به محرك‌های مرتبط (مشابه) با محركی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است، گفته می‌شود. در مقابل، تمیز، به تمایل فرد به پاسخ دادن به آن محركی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است، اشاره می‌کند. درواقع فرایندهای تعمیم و تمیز در طول زندگی انسان‌ها، فراوان اتفاق می‌افتد (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۲).

نمونه‌هایی از ضربالمثل‌های که نوع یادگیری تعمیم و تمیز در آن قابل بررسی است:

مثال برای تعمیم:

Durdli dein n olar γmli yâtâgân دردلى دینن اولار غملی یاتاقان
برگردان: دردمند زیاد حرف می‌زند و آدم غمگین زیاد می‌خوابد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۲).

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

از نظر روان‌شناسی در بسیاری از موقع، پرگویی و پرخوابی راهی برای اجتناب از احساسات دردناک است. اشخاص دردمند و غمگین، با حرفی و خواب سعی می‌کنند که احساسات خود را کنار بزنند تا از مقابله با درد یا اضطرابی که ممکن است با این احساسات همراه باشد، اجتناب کنند.

مثال برای تمیز:

H□r oxiyân mollâ olmâz

هر او خیان ملا اولماز

برگردان: هر درس خوانده‌ای ملا نمی‌شود (همان، ص. ۴۳۸).

درواقع تمیز، واکنش به تفاوت‌های است؛ از طریق تقویت تمیز، افراد یاد می‌گیرند که دو محرک را از هم تفکیک کنند. توانایی تعمیم دادن محرک‌ها، یکی از امتیازات مهم یادگیری است که فرد را قادر می‌سازد تا بدون نیاز به یادگیری مداوم، یک پاسخ آموخته شده به یک محرک معین را به محرک‌های مشابه آن گسترش دهد. در بعضی از مواقع ممکن است تعمیم نابهجه باشد و در چنین حالتی باید به او آموخت که تفاوت‌های میان محرک‌ها را شناسایی کند و به هر محرک پاسخ مناسب بدهد. این همان فرایند تمیز دادن محرک است. پس می‌توان گفت تعمیم محرک، یعنی پاسخ دادن به شباهت‌ها و تمیز محرک، یعنی پاسخ دادن به تفاوت‌ها (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۲).

۱-۱-۳. نظریه یادگیری اجتماعی

بنیانگذار این نظریه آبرت بندورا، روان‌شناس کانادایی است. بندورا چارچوب مشخصی برای چگونگی یادگیری ارائه کرده است. «به نظر او بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد» (کدیور، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۸). در این نظریه سه عامل مهم با تأثیرات متقابل بر هم وجود دارند:

الف) رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی)؛

ب) عواماً فردية (باورها، انتظارات و نگرشها)؛

ج) عوامل رفتاری (عملی و کلامی).

طبق این نظریه، ما در مراحل مختلف زندگی طی فرایندهای از یکدیگر می‌آموزیم؛ رفتارهای دیگران را مشاهده می‌کنیم و پس از مشاهده، رفتارها را جذب (درومنی‌سازی) و تقلید می‌کنیم. در صورتی که مرجع تقلید به ما شبیه‌تر یا از نظر عاطفی نزدیک‌تر باشد، احتمال تقلید ما بیشتر است (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۵). بنابراین «مراحل چهارگانه توجّهی، به یادسپاری، تولیدی یا بازآفرینی و مرحله انگیزشی، از مراحل اصلی یادگیری مشاهده‌ای است» (همان، ص. ۳۱۱). «نظریه یادگیری اجتماعی به‌سبب تأکید بر متغیرهای محیطی که رفتارها را بر می‌انگیزد خدمات ارزنده‌ای به روان‌شناسی بالینی و نظریه شخصیت کرده است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۶۹). یادگیری مشاهده‌ای در ضربالمثل‌های زیر قابل بررسی است:

توبیوق گلدى غاز يېيشى يېرىيە اوز يېرىشىدە يادىننان چىختى

Toyuq g̡oldı γâz yerişi yeriy̡ öz yerişid̡ yâdinnân ıixti
برگردان: مرغ خواست مثل غاز راه برود راه رفتن خودش را هم فراموش کرد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۹).

Dönyânin ki gor gotör di

دو نانے کے گو، گو تو، دی

ب گ دان: کار دنیا دیدن است و تقلید (همان، ص ۲۵۹).

نمونه‌های ذکر شده، اهمیت تقلید آگاهانه و منطقی و پرهیز از کم توجهی به آموزش از طریق مشاهده را بیان می‌کند.

۲-۳. یادگیری و عملکرد اخلاقی

رشد اخلاقی در برگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در رابطه با دیگران، چگونه رفتار کنند. از نظر روان‌شناسان این قوانین مشتمل بر سه جنبه اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری هستند که به کمال انسان در زندگی شخصی و اجتماعی و معنوی می‌انجامد.

Kornân ڇورک ye âlâhi ârâdâ gor کورنان ڇورک یه آلاهي آرادا گور

برگردان: با کور نان بخور در حالی که خدا را ناظر می‌بینی (همان، ص. ۳۷۸).

Čoragi sâl süyâ bâlixdâ bilməsə xâliq bilər چورگى سال سوا بالىخدا بىلمسە خاليق بىلر

برگردان: نان را در آب انداز، اگر ماهی هم نداند، خدا می داند (همان، ص. ۳۷۸).
خمیرمایه اصلی اغلب امثال و حکم ترکی، براساس همین جوهره اخلاقی استوار است و نمونه های بسیاری را می توان شاهد مثال آورد که رعایت اصول اخلاقی را داشتمام مراحل زندگی، گوشزد می کند.

۳-۳. خودتبرئه‌سازی

گریز از مسئولیت یا توجیه امور زشت و ناپسند، از رفتارها و کردارهای افرادی می‌باشد که در مقابل محکمه و جدایی یا موافذه قانونی و اخلاقی به آن متولّ می‌شوند» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۱). چنین افرادی صدماتی را که با اعمالشان به دیگران وارد می‌کنند، نادیده می‌گیرند یا آن را تحریف می‌کنند و احساس شرم‌ساری نمی‌نمایند؛ چون که فرد هر اندازه خود را بیشتر از پیامدهای ناگوار رفتار غیراخلاقی‌اش کنار نگه دارد، فشار کمتری را تحمل خواهد کرد. این نوع توجیه به صورت‌های گوناگونی جلوه می‌کند که در ذیل به تعدادی از آن‌ها به همراه شاهد مثال، اشاره می‌کنیم.

۳-۱. دلیل تراشی

گربه‌ای که چون دستش به گوشت نمی‌رسد آن را بدبو می‌داند، نمونه‌ای از مکانیسم دفاعی مشهور به دلیل تراشی را به نمایش می‌گذارد. «این اصطلاح به معنای اقدام معقولانه نیست، بلکه منسوب کردن رفتار و کردار خویش به انگیزه‌های منطقی یا جامعه‌پسند است تا چنین به نظر آید که درواقع هم درست و هم معقول رفتار شده است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۱). «اشخاص مضطرب در مقابل وجود خود و دیگران، برای تسکین تمایلات سرکوب شده و کمبودهای رنج‌آور خویش، یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌های دفاعی یعنی دلیل تراشی را به کار می‌بندند و برای توجیه آن، دلایلی عرضه می‌دارند تا خود را قانع سازند» (علامی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۸۳). دلیل تراشی یک مسئله ناخودآگاه و توجیهی است؛ برای اینکه فکر یا عملی را موجه جلوه دهیم، خودمان را متقادع می‌سازیم که توجیهی منطقی برای آن وجود دارد (شولتز، ۱۳۷۹، ص. ۶۸).

G̣lin oyniyâ bilmey dey otâq ɔyridi گلین اوینیا بیلمی دی اطاق ایریدی

برگردان: عروس نمی‌تواند برقصد، می‌گوید اتاق کج است (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۸).

Pišigin ɔli ɔtɔ yetišmɔz diyɔr mirdârdi پیشیگین الی اته یتیشمز دیر میرداردی

برگردان: دست گربه به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید مردار است (همان، ص. ۵۸) روی هم رفته می‌توان گفت مکانیسم دلیل تراشی در مواردی رخ می‌دهد که در مقابل استفسار رفتار و دلایل خود قرار می‌گیریم و دچار تشویش و نگرانی می‌شویم.

۳-۲. جابه‌جایی

بعضی از افراد اگر بدانند یک مرجع شناخته شده، رفتارشان را مورد حمایت قرار می‌دهد و مسئولیت آن را به عهده می‌گیرد، از راه جابه‌جایی مسئولیت، به راحتی از

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

اصول اخلاقی خود می‌گریزند؛ «من آن کار را کردم چون به من دستور داده شده بود». المأمور معذور. در اصطلاح روان‌شناسی، جابه‌جایی، تغییر مسیر حرکت (معمولًاً پرخاش) به سوی یک هدف جایگزین ضعیف است. این هدف، شخص یا چیزی است که می‌تواند به عنوان یک جانشین نمادین، عمل کند. جابه‌جایی زمانی روی می‌دهد که ضمیر می‌خواهد کاری را انجام دهد که وجود آن اجازه آن را نمی‌دهد؛ از این رو ضمیر راهی دیگر برای آزاد کردن انرژی روانی نهاد، پیدا می‌کند. «بعضی از افراد اگر بدانند که یک مرجع رفتارشان را حمایت می‌کند با جابه‌جایی مسئولیت، از اصول اخلاقی خود می‌گریزند» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۲).

El□iy□ zâvâl yoxdür

الچیه زوال یوخدور

برگردان: بر رسولان پیام باشد و بس (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۶). معادل مثل «المأمور معذور».

مکانیسم جابه‌جایی برای کاهش اضطراب و فروکش کردن پرخاشگری‌ها صورت می‌گیرد. «وقتی که فرد نمی‌تواند به دلیل ترس از انتقام، مقابل خشم و غصب دیگران، ابراز وجود کند، برای حفظ تعادل روانی خود، از این مکانیسم استفاده می‌نماید» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۲).

۴-۳. شخصیت

محققان معتقدند که: «شخصیت، مجموعه پویا و سازمان یافته‌ای از خصوصیات است که به طرز منحصر به فردی بر شناخت، افکار، انگیزه‌ها و رفتار شخص در وضعیت‌های مختلف، تأثیر می‌گذارد» (رایکمن، ۱۳۹۱، ص. ۵). «الگوهای متمایز و اختصاصی اندیشه، هیجان و رفتار فرد، که سبک تعامل وی با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی را مشخص می‌سازد» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۵۷).

۳-۴. شخصیت و تفاوت‌های فردی

شخصیت در بین افراد و طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است و عوامل بسیاری در ایجاد تفاوت‌های فردی دخالت دارند که از آن جمله می‌توان به وراثت، محیط زیست و اراده شخص اشاره کرد. «عوامل زیست‌شناختی ذاتی و مادرزادی با رویدادهای محیطی شخص، تعامل می‌کنند و فرایند رشد فرد را رقم می‌زنند و فردیت آدمی را شکل می‌دهند» (همان، ص. ۴۲۸). تأثیر محیط بر فرد بسیار مهم بوده و می‌تواند اثرات مثبت و منفی بسیاری به جای بگذارد و یکی از عوامل مهم، در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی است. از سوی دیگر، خود یا اراده انسانی که به اصطلاح وجودان نیز نامیده می‌شود، در تکوین رفتارهای فردی و اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت انسان، بسیار تأثیرگذار است. اراده در اصطلاح به این معناست که اگر همه مقدمات برای انجام یک کار فراهم باشد؛ اما فاعل تمایلی نداشته باشد، کار انجام نمی‌گیرد (مصطفایی، ۱۳۷۳، صص. ۴۴۳-۴۴۴). جایگاه اراده موجب شده است تا نظریه‌پردازان، توجه ویژه‌ای به این عامل داشته باشند. آدلر به عنوان نظریه‌پردازان، توجه ویژه‌ای به این عامل هیچ‌کدام نمی‌توانند رشد شخصیت را به صورت کامل تبیین کنند و ما به صورت نافعال، به وسیله تجربیات کودکی، شکل داده نمی‌شویم (شولتز، ۱۳۷۹، صص. ۱۴۴-۱۴۹).

جورج کلی نیز معتقد است، ما قادریم دیدگاه خود را عوض کنیم و سازه‌های جدیدی را همراه با پیش‌بینی‌های مربوط به آن شکل دهیم که این همان مفهوم اراده آزاد (خود) است (همان، ص. ۴۴۰). بنابراین «خود، مدیر عامل شخصیت می‌باشد؛ او تصمیم می‌گیرد که کدام یک از تکانه‌های نهاد، ارضاء شود و به چه نحو؛ خود، واسطه بین خواسته‌های نهاد و واقعیت‌های جهان بیرون و فراخود است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۵۸).

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

مثال برای تأثیر وراثت بر تفاوت‌های فردی

آلا قارقا سودا چیمه ده غاز اولماز
olm□z
□l□ q□rq□ sud□ □ims□d□ q□z

برگردان: کلاع سیاه اگر در آب هم شنا کند، غاز (سفید) نمی‌شود (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲۴). معادل مثل فارسی (که زنگی به شستن نگردد سفید).

مثال برای تأثیر محیط زیست بر تفاوت‌های فردی

آتنی آت یانیندا باغلسان همنگ اولماسادا هم خوی اولار

□ti □t y□nind□ b□□l□s□n h□mr□ng olm□s□d□ h□mxü ol□r
برگردان: اگر دو اسب را کنار هم بیندی همنگ هم نشوند؛ هم خو می‌شوند (همان، ص. ۷۹).

مثال برای نقش خود بر تفاوت‌های فردی:

نیت هارا منزل اورا

Niyy□t h□r□ m□nzil or□

برگردان: اراده به هر سمتی برود منزل و هدف هم همانجا می‌رود (همان، ص ۱۲۸). معادل مثل فارسی «خواستن توانستن است».

چوبانین گوگلی اولسا قره سودان قیماخ دوتار

□ob□nin gogli ols□ q□r□ süd□n g□ym□x dütar

برگردان: اگر چوپان اراده کند از آب سیاه، سرشیر می‌گیرد (همان، ص. ۱۷۱).

باید توجه داشت که: «مهم‌ترین عامل در به وجود آمدن همت و اراده در آدمی، میزان عزت نفس و ایمان درونی اوست. انسان در سایهٔ توجه به خود و توانمندی‌های درونی و ارادی است که می‌تواند به خلاقیت‌های متعدد انسانی، نائل شود» (نوین، ۱۳۷۸، ص. ۹۳).

۳-۴. انواع شخصیت

الف) شخصیت بدین

بدین‌ها افرادی هستند که ارزش‌های اخلاقی را نفی می‌کنند، صداقت و حقیقت را با شک‌گرایی زیر سؤال می‌برند و از آن غافل می‌شوند. بدینی اجتماعی، باورهای منفی درباره مردم و نهادهای اجتماعی تعریف می‌شود؛ افراد بدین عموماً از ارتباط داشتن با سایرین احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند؛ چون هرگونه رابطه را به شکلی منفی تفسیر می‌کنند و این موضوع، آسايش روانی آن‌ها را ازبین می‌برد. آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند تنها باشند تا اینکه از ارتباط بدینانه با دیگران رنج بکشند (صمیمی اردستانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹). در واقع بدینی، بی‌اعتمادی و سوءظن بی‌دلیل به دیگران است.

هرکسه دُست دیدم دشمن جان اولدی منه

H□r k□s□ dost dedim döşm□ne j□n oldi m□n□

برگردان: به هرکسی دوست گفتم دشمن جانم شد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۹). معادل مثل فارسی «از دشمن می‌گریزم و دوست می‌آید به جنگ من».

ب) شخصیت‌های نمایشی و هیستریک

ویژگی اصلی شخصیت نمایشی و هیستریک، رفتار توجه‌طلبانه و هیجان‌پذیری مفرط و فraigیر است. چنین شخصیتی غالب با شور و نشاط زیاد و چشمگیر، مایل است توجه دیگران را به خود جلب کند. علاوه‌مند به چیزهای نو و مهیج هست و در هیجان‌های خود اغراق می‌کند و هر چیز کوچکی را بزرگ جلوه می‌دهد (یوسفی، ۱۳۸۹، ص. ۴۶).

آز اولسون اوز اولسون بیر بالا جاسوز اولسون

Olsün bir b□l□j□a soz olsün □z olsün öz

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

برگردان: کافی است حرفی کم و کوچک بشنود، دنیا را پر می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

حبه نی گوپا او خی

H□b□ni qupa oxey

برگردان: حبه را قبه (گند) می‌خواند (بزرگ نمایی و اغراق) (همان، ص. ۷۰).

ج) شخصیت خودشیفته

اصطلاح خودشیفتگی (نارسیسم) از افسانه یونانی نارسیس گرفته شده است. فروید افسانه نارسیس را راهی خوب برای نشان دادن «خود» فردی دانست که شیفتۀ خودش می‌شود و نمی‌تواند با دنیای خارج ارتباط برقرار کند (اسنودن، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۷). شخصیت خودشیفته، نشانه‌های احساس خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و اشتغال ذهنی، تخیلات موفقیت و قدرت و استعداد زیبایی دارد و خود را مهم و بی‌همتا می‌داند الهویردی و خانجانی، ۱۳۹۸، ص. ۱). چنین شخصی خود را بی‌عیب و نقص می‌داند و دنبال عیب‌جویی از دیگران است.

او ز گوزوندہ تیری گورمی او ز گه گوزوندہ چو بی گوری

Öz gözünde tırı görmey özg□ gözünd□ □opi görey

برگردان: در چشم خود تیر را نمی‌بیند، ولی در چشم دیگران کاه را می‌بیند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۱).

قورتداسان قوردی چیخار

gürtd□s□an gürdi □ix□r

برگردان: هر چقدر بیشتر وسوس به خرج دهی، معايش عیان‌تر می‌شود (همان، ص. ۳۶۱).

د) شخصیت ضد اجتماعی

شخصیت ضد اجتماعی، یک اختلال روانی است که فرد، نسبت به درست و غلط بودن مسائل بی‌توجه است و حقوق و احساسات دیگران را نادیده می‌گیرد. «افراد خودخواه و خودمحوری که، اضطراب و پشیمانی از گناه ندارند و بیشتر توجیه‌گر هستند. این‌گونه شخصیت‌ها، بیشتر در کسانی که زمینه‌های محرومیت و عدم نیل به آرزوها در آن‌ها زیاد است، به چشم می‌خورد» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

آییا دائمی ده ایشوندهن اوتری

□yiy□ d□yi de išün□n ot□ri

برگردان: به منظور پیشرفت کارت، خرس را دایی بخوان (همان، ص. ۲۸۷).

چایی گچنجن ارمنه دایی دی

□ayi ge□□n□j □n □rm□niy□ d□yi dey

برگردان: مadam که از رودخانه نگذشته است به ارمنه دایی می‌گوید (همان، ص. ۲۸۷).

چنین افرادی، برای نیل به اهدافشان، دیگران را دستاویز قرار می‌دهند و بعد از رسیدن به مقصد و خواسته خود، دیگر کسی را به هیچ نمی‌انگارند.

ه) شخصیت اجباری - وسوسی

از مشخصه‌های شخصیت وسوسی - اجباری، محدود بودن هیجانات، منظم و مرتب بودن، مداومت و پافشاری، سرسختی و یک‌نندگی، کمال‌طلبی و انعطاف‌ناپذیری است. این افراد نمی‌توانند چیزهای کهنه و یا بی‌ارزش را دور بیندازند، حتی اگر هیچ‌گونه ارزش عاطفی هم نداشته باشد. از خصوصیات دیگر این افراد، آن است که از تفویض وظایف خود به دیگران یا کارکردن با آنان، ابا دارند مگر آنکه افراد، برای انجام امور، کاملاً تسلیم روش او شده باشند. این افراد در پول خرج کردن برای خود و دیگران،

تحلیل و بررسی روان‌شناسخی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

خست می‌ورزند و پول را چیزی می‌دانند که باید برای روز مبادا پس انداز شود (قادری، ۱۳۹۰، ص. ۵۹).

مثال برای یک‌دندگی:

توبیوق بیبر قیشلیدور

Toyüg birgişlidür

برگردان: مرغ یک پا دارد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۶۲).

مثال برای خست:

ساختا سامانی گلر زامانی

S□xl□ s□m□ni g□l□r z□m□ni

برگردان: کاه را نگهدار، زمان استفاده‌اش فرا می‌رسد (همان، ص. ۱۸۲).

۳-۵. تعارض و توانمندی‌های دفاعی

تعارض حالت تنیش و اضطراب ناشی از وجود دو میل متضاد در فرد است. روان‌شناسان از اصطلاح تعارض برای نشان دادن موقعیت‌هایی استفاده می‌کنند که در آن شخصی رویدادها، انجیزه‌ها، هدف‌ها، رفتارها یا تکانه‌های مخالف با هم را به شکلی هم‌زمان دارد.

۳-۵-۱. انواع تعارض

الف) موقعیتی که به‌طور هم‌زمان دارای دو ارزش مثبت و یکسان است (جادب - جاذب)

در این نوع تعارض که تعارض گرایش - گرایش نیز نامیده می‌شود، فرد خود را در مقابل دو انتخاب دلپذیر، اما مغایر می‌بیند و حاضر نیست یکی از آن‌ها را به نفع دیگری

کنار بگذارد. این تعارض، زمانی ازین می‌رود که شخص عمالاً یا به طور ذهنی، بتواند در هر دو جنبه، گونه‌ای از احساس رضایت را کسب کند. نه دیندن گچیر نه دیناردان

N□ dind□n ge□ir n□ din□rd□n

برگردان: نه از دین می‌گذرد و نه از دینار (همان، ص. ۴۴۰).
هم خداني ايستير هم خرمانى

H□m xüd□ni istir h□m xürm□ni

برگردان: هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را (همان، ص. ۴۴۰).

ب) موقعیتی که دارای دو ارزش منفی است (دافع - دافع)

در این نوع تعارض که تعارض اجتنابی - اجتنابی نیز نامیده می‌شود، فرد خود را در مقابل دو انتخاب یا هدف ناخواهایند می‌بیند. تعارض، ناشی از انتخاب یکی از دو موقعیت نامطلوب است. مردم این نوع تعارض را زمانی تجربه می‌کنند که مجبور می‌شوند بین بد و بدتر، یکی را انتخاب کنند. «در این نوع تعارض فرد مثبت، از یک هدف واقعی، هم گریزان است و هم به آن علاقمند می‌باشد» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

ایکی بند باز بیر ایپده اویناماز

Iki b□ndb□z bir ipd□ oyn□m□z

برگردان: دو بندباز روی یک ریسمان بازی نمی‌کنند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۷). معادل مثل فارسی «دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند».

ایکی گوزل بیر یاسدیقا باش گوییماز

Iki goz□l bir y□sdig□ b□š goym□z

برگردان: دو زیباروی سرشان را روی یک بالش نمی‌گذارند (همان، ص. ۳۰۸). معادل مثل فارسی «با یک دل دو دلبر نتوان داشت».

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

ج) ناکامی

تعارض بین دو انگیزه متضاد از خاستگاه‌های عمدۀ ناکامی است. وقتی بین دو انگیزه، تعارضی وجود داشته باشد، یکی از آن‌ها موجب ناکامی دیگری می‌شود؛ فرد می‌خواهد به اهداف مطلوب خود برسد، ولی با مانعی رو به رو می‌شود. عکس‌العمل‌های نادرست افراد می‌تواند باعث ناکامی‌های بزرگ‌تر آن‌ها، در رسیدن به اهدافشان باشد و مشکلاتشان را چند برابر کند.

دو زدن چیخدوخ نمکلیغا دوشدوخ

Düzd□n □ixdüX n□m□klig□ düşdük

برگردان: از نمک درآمدیم و در نمکار افتادیم (همان، ص. ۱۹۱).

قورباغه آغزیندان قورتولدی ایلان آغزیننا دوشدی

Gürb□g□ □gzind□n gürtüldi il□n □gzin□ düşdi

برگردان: از دهان قورباغه رها شد و در دهان مار افتاد (همان، ص. ۱۹۱). معادل مثل فارسی «از چاله برآمدیم و در چاه شدیم».

برخی از روان‌شناسان به نقش ناکامی در رشد شخصیت اشاراتی کرده و وجود مقداری ناکامی را برای رشد شخصیت انسان لازم می‌دانند. آن‌ها معتقد هستند که هر چه سلامت روانی انسان بیشتر باشد، درجه گذشت در برابر ناکامی‌ها بالاست و اگر کم باشد با حالات روان‌پریشی رو به رو خواهد شد (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۹۶).

هیچ فردی نیست که در موقعیت‌های تعارضی قرار نگیرد و با ناکامی رو به رو نشود؛ تنها راه چاره، تحلیل علل ایجاد تعارض و رفع آن به‌شکل منطقی است.

د) اضطراب

اضطراب یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه روان‌کاوی محسوب می‌شود که نه تنها نقش مهمی در رشد شخصیت ایفا می‌کند بلکه در پویش‌های مرتبط با عملکرد شخصیت نیز

اهمیت دارد. «اضطراب، زیربنای تمام ناهنجاری‌های روانی است. هرگاه خطری ارگانیسم را تهدید کند، «خود» با ایجاد احساس نگرانی، شخص را آگاه می‌کند. به این ترتیب شخص با آن خطر به مقابله برمی‌خیزد یا از رویارویی با آن می‌پرهیزد» (شولتز، ۱۳۷۹، ص. ۶۴). در نظریه شناختی، اضطراب، یک واکنش شرطی در مقابل محیطی خاص است؛ رویدادها عامل اضطراب نیستند، بلکه تعبیر و تفسیر شخص از حادث، عامل بروز اضطراب است.

اوغری پیشیک آغاجی گوتور ممیشدن بللی اولار

O□ri pišik □□□ji gotürmamišdan bali ol□r
برگردان: گریه دزد، قبل از بلند کردن چوب (با رفتارش) معلوم می‌شود (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴۵).

آفاش گورنده هیز ایت قاچار

□g□š gor□nd□ hiz it g□□□r
برگردان: سگ هیز با دیدن چوب، فرار می‌کند (همان، ص. ۵۷). معادل مثل فارسی «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است».

بنابراین اضطراب، فرد را آگاه می‌کند که «خود» مورد تهدید است و باید کاری انجام داد.

۳-۶. مکانیسم دفاعی

وقتی شخصیت در اثر تضادها، دچار تنیدگی روانی می‌شود، برای رهایی از آن فشارهای روانی، ناآگاهانه به مکانیسم‌های دفاعی متعددی دست می‌زند که سبب سازگاری فرد با محیط می‌شود.

فروید، اصطلاح مکانیسم دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیاری اطلاق می‌کند که آدمی برای حل و فصل هیجان‌های منفی به کار می‌برد. این تدابیر هیجان‌مدار،

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثال‌های... سکینه پیرک

موقعیت تنشی را تغییر نمی‌دهد، فقط شیوه دریافت یا اندیشیدن شخص را نسبت به آن عوض می‌کند. درواقع در همه مکانیسم‌های دفاعی، عنصر خودفریبی در کار است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۰).

از دیدگاه فروید مکانیسم دفاعی انواعی دارد؛ از جمله واپس‌رانی، سرکوبی، همانندسازی، فرافکنی، جبران، واکنش‌سازی و جانشین‌سازی و....(سیاسی، ۱۳۵۶، ص. ۹۶) که هر کدام از این مکانیسم‌های دفاعی با ذکر شاهد مثال از ضربالمثال‌های ترکی، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۶-۱. واپس‌رانی

«فروید، واپس‌رانی را مهم‌ترین مکانیسم دفاعی و مکانیسمی بنیادی به شمار می‌آورد. در واپس‌رانی، خاطره‌هایی که تهدیدی سخت یا رنج فراوان دربر دارند، از میدان هشیاری بیرون رانده می‌شود» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۰). کشمکش‌هایی که واپس‌زده باقی می‌مانند از نظر کیفیت و شدت، تغییر پیدا نمی‌کنند و چون نیروی پویایی خود را حفظ می‌کنند، دائمًا در جهت اظهار وجود تلاش می‌کنند و به طرق یا شیوه‌های دیگر در رؤیا و لغزش‌های زبانی و یا در جنبه‌های دیگر زندگی، ظاهر می‌شوند» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۰).

ایگیت امک ایتیرمز

Igit m k itirm z

برگدان: مرد، حق نان و نمک را فراموش نمی‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

معادل مثل فارسی «نقش از گلیم می‌رود از دل نمی‌رود».

خنجر یاراسی گندر گشتمز دیل یاراسی

X nj r y r si ged r getm z dil y r si

برگردان: زخم خنجر التیام می‌یابد، اما زخم زبان همواره بدتر می‌شود (همان، ص. ۴۹۴). معادل مثل فارسی «بیرون نزود حدیث ناخوب از دل».

۲-۶-۳. سرکوبی

فروید دریافت که راندن خاطرات مصیبت‌بار یا تهدیدکننده به ضمیر ناخودآگاه، حاصل نوعی تعارض ذهنی بین‌بخشی است؛ بخشی که می‌خواهد عواطف نامطبوع را بیان کند و بخشی که می‌خواهد آن را سرکوب سازد. او جریان دور کردن خاطرات را که نوعی مکانیسم فعال است سرکوبی نامید و آن را اضطراری و کاملاً ناخودآگاه می‌دانست (اسنوند، ۱۳۸۸، ص. ۴۰). بنابراین می‌توان گفت که سرکوبی «فرایندی آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه است که فرد، خواسته‌ها و امیال خود را مهار می‌کند یا به‌طور موقت، خاطرات ناراحت‌کننده را کنار می‌گذارد و به آن‌ها نمی‌اندیشد. در این مکانیسم، اندیشه، مفهوم یا آرزویی، از هوشیاری بیرون رانده می‌شود» (پروین و جان، ۲۰۲۱، ص. ۷۶). درواقع «سرکوبی، یک توانمندی دفاعی است که شخصیت‌های بهنجار به کار می‌برند، زیرا این فراموشی و حذف ارادی، مستلزم داشتن شخصیتی قوی و نیرومند می‌باشد» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۲).

آغلا‌دیم ایشیم کچمدی ایندی بیر آزاداگلوم

□□l□dim išim ke□m□di indid□ bir □z gülüm

برگردان: با گریه کردن کارم به سامان نرسید حالا کمی نیز بخندم (همان، ص. ۲۵۸) (احاله آگاهانه افکار و امیال).

دنیانی چتین تو تما نجه توتسون ایله گچر

Düny□ni □□tin tütm□ ne□□ tütson eyl□ ge□□r

برگردان: دنیا را سخت نگیر، دنیا را هر جور بگیری آنگونه می‌گزرد (همان، ص. ۷۹). معادل مثل فارسی «سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت‌کوش».

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

۳-۶-۳. همانندسازی

در این مکانیسم، شخص ناگاهانه خود را در قالب فرد دیگر قرار می‌دهد؛ افکار، اخلاقیات، رفتار و سلایق وی را الگوبرداری می‌کند؛ ویژگی‌های مطلوب فرد دیگر را تقلید می‌کند و دیگران را الگوی خود قرار می‌دهد و از این طریق، احساس ارزشمندی در وجود او به‌وسیله همانندسازی با شخصیت‌های برجسته و نامدار، افزایش می‌یابد (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۷۲). «همانندسازی غالباً با مکانیزم درون‌فکنی همراه است؛ بدین معنی که شخص خود را به فرد یا گروهی همانند می‌سازد که رفتار و اندیشه‌های او یا آن‌ها را پذیرفته و درون‌فکنی کرده است» (فروید، ۱۳۹۲، ص. ۶۱).

سیچاننان اولان داورچیق دیبی دلر

Si□□nn□n ol□n d□v□r□ig dibi d□l□r
برگردان: همنشین موش، مانند موش، توبه چرمی را سوراخ می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص.

.۳۸۳)

آتی آت یانیندا با غلاسان همنگ اولماسادا هم‌خوی اولار
□ti □t y□nind□ b□□l□s□n h□mr□ng olm□s□d□ h□mxü ol□r
برگردان: اگر اسب را پیش اسب دیگری بیندی همنگ هم نشود، هم‌خو می‌شود (همان،
ص. ۳۸۳)

۳-۶-۴. فرافکنی

«در همه ما ویژگی‌ها و صفات ناخوشایندی هست که آن‌ها را حتی از خودمان پنهان می‌کنیم و به کمک مکانیسمی ناهشیار به‌نام فرافکنی، به شکل اغراق‌آمیزی به دیگران نسبت می‌دهیم تا به وجود آن‌ها در خودمان اذعان نکنیم» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۲). «در این سازوکار دفاعی، فرد تکانه‌ها، افکار، ناتوانی‌ها و تمایلات

نامقبول خود را به جهان بیرون فرا می‌افکند و دیگران را هم با خود همسو می‌داند و از این طریق سعی می‌کند تا از اضطرابش کاسته شود» (فیست، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

هر کیمین باغی وار اورگینده داغی وار

H rkimin b i v r ör gind d i v r

برگردان: هر که را باغی است در دلش داغی است (همان، ص. ۳۰۰). معادل مثل فارسی «خوشدلی در کوی عالم روی نیست».

چوخ گولن چوخ آغلار

 ox gü^l n ox l r

برگردان: آن که خنده دید بیش، بیش گریست (همان، ص. ۳۴۴).

در فرافکنی، شخص ناتوانی‌های خود را به جهان بیرون فرا می‌افکند، دیگران را با خود همسو می‌کند و سعی می‌نماید از این طریق، به رضایت درونی نائل شود.

۳-۶-۵. جبران

فروید می‌گوید: «جبران، فرایندی است که روان شخص، برای پوشش گذاشتن بر کمبودها و مشکلاتش به کار می‌بندد و از این طریق در وجود شخص، تعادلی برقرار می‌سازد که پیش از جبران، وجود نداشته و یا از بین رفته بوده است» (فروید، ۱۳۹۲، ص. ۳۲).

افراد برای جبران شکست و پوشاندن عیوب خود، گاه به سرزنش دیگران می‌پردازند و به این طریق از نظر خویش، حرمت ذات خود را حفظ می‌کنند. اگر فرد نتوانسته باشد در اثر فقدان معلومات یا توانایی فنی لازم، به شغلی دسترسی پیدا کند، برای جبران این شکست، سعی می‌کند ارزش مقام، شغل و مرتبه کسی را که در آن جایگاه است، پایین بیاورد و درباره پوچ بودن آن شغل، داد سخن می‌دهد (احمدوند، ۱۳۶۸، ص. ۵۵).

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

کلاهون سات‌گینان خراجات طفیلی اولما نامرد

kol□hün s□t gin□n x□rjet tofeili olm□ n□m□rd□

جاهاندا کله ساغ اولسون کلاه اسگیک دگل مرد

J□h□nd□ k□ll□ s□olsün kol□h sgik d□gil m□rd□

برگردن: کلاهت را (که نشانه بزرگی و مقام است) بفروش و خرج کن ولی طفیلی نامرد

نشو. سرت سلامت باشد در دنیا کلاه برای مرد، کم نیست (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۷).

بعد از آنکه شخص مقام و حرمت خود را ازدست رفته می‌بیند، به صورت خودآگاه

یا ناخودآگاه، برای پوشش گذاشتن بر کمبودها و مشکلات و احساس حقارت واقعی یا

واهی، به رفتاری جبرانی روی می‌آورد.

۳-۶-۶. واکنش‌سازی

به کمک این مکانیسم در فرد خصوصیات خُلقی و رفتاری خاصی پدید می‌آید که

معمولًاً نقطه مقابل تمایلات درونی شخص است و به عبارت دیگر، سرکوبی

آرزوها و خواسته‌های خطرناک و ایجاد خودآگاهانه آرزوها و خواسته‌هایی که

کاملاً با آن‌ها مغایرت دارد و همچنین بیان مطالب و ابراز علایقی که با امیال و

علایق درونی و ناخودآگاه فرد تضاد دارد، به واکنش‌سازی موسوم است (احمدوند،

۱۳۶۸، ص. ۹۰).

دونیا سنن اولماسادا سن دونیاینان جورگل

Düny□ s□nn□n olm□s□d□ s□n düny□yn□n jürg□l

برگردن: اگر دنیا با تو نسازد تو با دنیا بساز (مجیدی، ۱۳۸۹: ص. ۵۴۹). معادل مثل فارسی

«با آنکه خصومت نتوان کرد، بساز».

در این نوع مکانیسم، شخص به‌سبب ناتوانی از انجام کار یا مسئولیتی، آن کار را

رها می‌کند و در مقابل مشکلات، به نوعی سازگاری و تفاهم روی می‌آورد. مثلاً نسبت

به کسی که از او خشمگین است، اظهار ادب می‌کند.

۳-۶. جانشین‌سازی

جانشین‌سازی یعنی: «جایگزینی ناخودآگاه یک هدف هیجانی یا یک شئ بسیار بازیش ولی غیر قابل دسترس یا نامعقول، با یک هدف یا شئ قابل دسترسی که مقبول همگان است» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۹؛ یعنی انگیزه‌ای که از راه معینی ارضا نشود به کمک مکانیسم جانشین‌سازی، به مجرای تازه‌های رانده می‌شود. فروید تأکید می‌کند که «به نظر نمی‌رسد که جانشین‌سازی بتواند تکانه‌های ناکام شده را ازبین ببرد، اما در مواردی که سایق اساسی ناکام می‌ماند، فعالیت‌های جانشین، قطعاً موجب کاهش تنش می‌شود» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۳).

تولکوسن آسلانلا چیخما ساوشا

Tülküs n sl nl ixm s v š

برگردان: اگر روباهی با شیر جنگ نکن (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۰). معادل مثل فارسی: «با آنکه خصوصیت نتوان کرد، بازار».

اشکه گوجی چاتمی پالانین تاپدی

Eşk güji tmey p l nin t pdey

برگردان: زورش به الاغ نمی‌رسد پالانش را می‌زند (همان، ص. ۲۳۳).

مکانیسم جانشین‌سازی گاهی اوقات ارزشمند است، زیرا شخص را قادر می‌سازد تا ناراحتی‌های عاطفی را، بی‌آنکه متوجه اصل مبدل آن شود، بر سر شخص بی‌طرفی خالی کند، و به این طریق، از خطر ازدست دادن روابط نیکو و انتقام احتمالی از مبدل ناراحتی که، معمولاً شخص قوی‌تری است، اجتناب نماید (احمدوند، ۱۳۶۸، ص. ۱۰۸).

۷-۳. انگیزش

انگیزش، مجموعه شرایطی است که به رفتار نیرو می‌دهد و جهت می‌بخشد.

انگیزش‌ها، از دو منبع سرچشمه می‌گیرند: عوامل سایق درونی و عوامل مشوق بیرونی. انگیزه‌های درونی، به گرایشات دور و نزدیک فرد نیرو می‌دهند و رویدادهای بیرونی، مشوق‌هایی هستند که فرد را برای پرداختن یا نپرداختن به عملی خاص جذب یا دفع می‌نمایند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۲).

«انگیزش، مفهوم وسیعی می‌باشد که توصیف‌کننده عوامل مؤثر در انرژی و رفتار ماست و نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها و اشتیاق‌ها را نیز دربر می‌گیرد» (لاتیر، ۱۳۷۴، ص. ۴۷). انگیزه‌ها را به دو گروه انگیزه‌های اکتسابی و انگیزه‌های ذاتی تقسیم می‌کنند:

۷-۳-۱. انگیزه‌های اکتسابی

مهم‌ترین ویژگی این انگیزه‌ها، پیدایش آن‌ها از طریق عوامل محیطی و اجتماعی است. افراد این انگیزه‌ها را از طریق آموزش و تجربه کسب می‌کنند و یادگیری در آن، نقش اساسی را ایفا می‌کند. مانند انگیزه شهرت طلبی.

۷-۳-۲. انگیزه‌های ذاتی

آن دسته از انگیزه‌هایی که از آغاز تولد، همراه آدمی بوده، و نیازی به آموختن ندارند. ویژگی اصلی انگیزه‌های ذاتی، فطری و غریزی بودن آن‌هاست، مانند انگیزه میل به حیات. انگیزه‌های ذاتی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: عادات و وقایع مهم.

۷-۳-۲-۱. عادات

عادت در لغت به معنای خوگرفتگی است؛ کاری که انسان به آن خو می‌گیرد و در وقت معین انجام می‌دهد.

از نظر معنای اصطلاحی، عادت، رفتاری می‌باشد که انسان بارها به آن باز می‌گردد و تکرار می‌کند؛ رفتاری که بارها و بارها تکرار می‌شود تا به یک معنا، جزء طبیعت ثانوی انسان می‌گردد، می‌تواند خوب یا بد باشد. گاه انسان، چنان گرفتار عادت رفتاری است که ترک آن دشوار خواهد بود و اگر به زور و اجبار ترک داده شود، موجب بیماری خواهد شد (زرین‌کوب، ۱۳۵۷، ص. ۲۸۹).

دادانمیسان دولمیا بلکه بیرگون اولمیا

Dədənmisn dolmiyə bəlkə bir gün olmiyə

برگردان: عادت کرده‌ای به دلمه، شاید یک روز نباشه (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۱).

عادات به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. عادات منفی، در پایان عواقب تلخ و اندوه فراوان به بار می‌آورند و عادات مثبت، اگرچه ممکن است در ابتدا سخت باشند، اما متنه‌ی به کامیابی‌های پیاپی خواهند شد.

۳-۲-۲. وقایع مهم

درک و شناسایی وقایع زندگی یکی از اساسی‌ترین موضوعات در کیفیت و تحول مثبت یا منفی زندگی انسان است؛ خاطره این‌گونه وقایع می‌تواند انگیزه‌ای مهم در زندگی افراد بهشمار بیاید و در سلامت روانی و رضایتمندی یا نارضایتی او از زندگی، نقش مهمی ایفا کند. مثلاً یک تصادف مهم، می‌تواند منشأ ترس دائمی از اتومبیل شود و یک تحریر، ممکن است در تمام عمر، شخص را درگیر صرف وقت برای رفع عوامل آن کند.

بیر دفعه دوشن داها دوشمز

Bir dəfə düšn dəhə düşməz

برگردان: کسی که یک بار افتاد، دیگر نمی‌افتد (همان، ص. ۳۸۲).

دوست داشی بَرْكِ اینجیدر

Dost dəši bərk injidər

برگردان: سنگی که دوست بزند، بسیار دردناک است (همان، ص. ۴۰۸).

۳-۸ کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی

روان‌شناسی اجتماعی، مطالعه علمی روش‌هایی است که طبق آن‌ها، افکار، احساسات و رفتارهای افراد، تحت تأثیر حضور واقعی یا خیالی دیگران قرار می‌گیرند. «البته تأثیر محیط و طبیعت بر فرد هم قابل توجه است. به نظر روسو، انسان ذاتاً پاک و بی‌غرض آفریده شده است، ولی وقتی که تمدن و اجتماع بر او تأثیر می‌گذارد، آن وقت معابیش ظاهر می‌گردد» (آرونsson، ۱۳۸۷، ص. ۲۹). از انواع رفتارهای اجتماعی فردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۸-۱. هم‌رنگی با جماعت

هم‌رنگی با جماعت یعنی «تغییر در رفتار یا عقاید شخص، درنتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم» (همان، ص. ۴۷). «گاهی مردم در برابر فشار هنجارهای مسلط، با اعلام اینکه با دیگران موافقند، خود را از خطرات می‌رهانند. در حالی که باطنًا با نظر جمع موافق نیستند و رفتار آنان در خلوت، با آنچه در جمع نشان می‌دهند، متفاوت است» (کریمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۵). آرونsson از روان‌شناسان اجتماعی معاصر، برای هم‌رنگی دو دلیل بیان می‌کند: «اول، رفتار دیگران ما را متقادع سازد که قضاوت اولیه ما اشتباه بوده است. دوم، مایل باشیم از تنبیه گروه، مانند طرد شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن، احتراز جوییم و از آن پاداشی (مانند دوستی و مقبولیت) کسب کنیم» (آرونsson، ۱۳۸۷، ص. ۵۴).

براساس تحلیل روان‌شناسان، انسان دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. جنبه فردی وی غالباً تحت تأثیر جنبه اجتماعی قرار می‌گیرد و به دلایل متعدد، خود را با دیگران هم‌رنگ می‌کند؛ افرادی که عزت نفس کم‌تری دارند، زود به فشارهای بیرونی تن می‌دهند و به دلیل ترس از اموری مانند مورد تمسخر قرار گرفتن، با

جمع همنوایی می‌کنند. لذا در این همنوایی، منطق حاکم نیست و صرفاً تبعیتی کورکورانه است. ولی اشخاصی که دارای اندیشه و رأی مستقل می‌باشند و عزت نفس بالایی دارند، کمتر تحت تأثیر اجتماع قرار می‌گیرند (کارکن، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰).

کنده گیردون هامی کور سنده کور

k□nd□ girdün h□mi kor s□nd□ kor

برگردان: وارد ده شدی، دیدی همه کور هستند تو هم کور باش (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۳).

پالازا بورون الین سوروں

P□l□z□ bürün elin□n sürüün

برگردان: پلاس بپوش و با جامعه بجوش و یکی شو (همان، ص. ۳۹۴).

۲-۸-۳. پیش‌داوری

نوعی نگرش منفی و خصم‌مانه نسبت به گروهی مشخص است که این نگرش منفی براساس تعییم‌های ناقص و نادرست به وجود آمده است. «یکی از علل پیش‌داوری در شخص، نیاز وی به توجیه رفتارش است. مثلاً اگر کسی نسبت به فردی بی‌رحمی کرده باشد، سعی می‌کند او را تحقیر کند تا بی‌رحمی خود را توجیه نماید» (ستوده، ۱۳۷۸، ص. ۱۷۲).

یاخشیلیخا یاخشیلیخ یامانلیق

Y□xšilix□ y□xšilix y□m□nliq□ y□m□nliq

برگردان: نیکی در برابر نیکی و بدی در برابر بدی (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴). معادل مثل فارسی «با بدان بد باش با نیکان نکو».

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

۳-۹. عزت نفس و توجه به آن به عنوان یکی از نگرش‌ها

نگرش، همان دوست داشتن‌ها و دوست نداشتن‌هاست؛ یعنی مطلوب یا نامطلوب ارزیابی کردن اشیاء، افراد، موقعیت‌ها یا هر جنبه دیگری از جهان؛ نگرش‌ها، بیانگر احساسات هستند و اغلب با شناخت‌ها به‌ویژه باورهای مربوط به موضوعات نگرش، پیوند دارند و در مقایسه با عقاید، خیلی به دشواری تغییر می‌یابند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۶۱).

عزت نفس یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار در انسان است و برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند، تعیین‌کننده چگونگی برخورد آن‌ها با مسائل مختلف است. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قائل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی شود. عزت نفس را می‌توان مجموعه‌ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربه‌هایی تصور کرد که در فرایند زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که فرد از خود دارد، باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد؛ در مواجهه با مشکلات، اطمینان و اعتماد بیشتری از خود نشان دهد و برای رسیدن به هدف‌شنهایت سعی و تلاش را به کار گیرد (نیری و کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۷).

او ز او وون قوری چورکی او زگه نین پلو نان باشدی

Oz evön güri or gi ozg nin plün b šdi
برگردان: نان خشک خانه خودت، از پلوی دیگران، برتر است (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۹). معادل

مثل فارسی «عزت ز قناعت است و خواری ز طمع»

گشمه نامرد کورپیسین قوی آپارسین سیل سنی

Geşm n m rd korpüsün goy p rsin sel s ni

برگردان: از پل نامرد نگذر، بگذار سیل تو را ببرد (همان، ص. ۴۰۹). معادل مثل فارسی «مردن به عزت به از زندگی با ذلت».

۱۰-۳. جبر متقابل به عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی

عوامل شخصی (باورها، انتظارات، نگرش‌ها)، رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی) و رفتارهای افراد (عملی و کلامی) در یکدیگر، تأثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جزء را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به عنوان تعیین کننده رفتار انسان به حساب آورد. بندورا این تعامل سه جانبی را تعیین‌گری متقابل (جبر متقابل) نامیده است. رویدادهای محیطی بر رفتار تأثیر می‌گذارند؛ رفتار، محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ عوامل شخصی بر رفتار اثر می‌گذارند (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۵).

یعنی فرد قادر به مشاهده و تعبیر و تفسیر آثار رفتار خود است و با این کار تعیین می‌کند که کدام رفتارها در کدام موقعیت‌ها مناسب هستند و با توجه به شرایط و موقعیت، بسیاری از رفتارهای خود را به‌منظور به‌دست آوردن پاداش یا اجتناب از ناراحتی‌های پیش‌بینی شده، شکل می‌دهد و انتخاب می‌کند.

دویمه تاخدا قاپیمی، دویلر دمیر قاپویی

Dom□ t□xd□ g□pimy doy□l□r d□mir g□pui

برگردان: در تخته‌ای مرا مکوب که در آهنیت را خواهند کویید (مجیدی، ۱۳۸۹، ص.

۵۷۴). معادل مثل فارسی «دنیا دار مکافات است.»

نه توکرسن آشوا اودا گلر قاشوقوا

N□ tok□rs□n □šüv□ g□l□r q□šüqüv□

برگردان: هر چه در آشت بریزی همان نیز به قاشقت می‌آید (همان، ص. ۲۱۰).

تیکان اکن گل گتورمز

Tik□n □k□n gül goturm□z

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

برگردان: هر کس خار بکارد، گل درو نمی‌کند (همان، ص. ۲۱۰).

۱۱-۲. تقلید به عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی

«تقلید، نوعی فعالیت مربوط به پردازش اطلاعات است و هم‌زمان با مشاهداتی که شخص از جهان اطراف خود دارد، اطلاعاتی به مجموعه داشته‌های شناختی او راه یافته و مورد پردازش قرار می‌گیرد، که بعدها الگویی برای عمل او خواهد بود» (آقاتهرانی و همکاران، ۱۳۷۵، ص. ۵۵۷). افرادی که اعتماد به نفس پایینی دارند بیشتر از رفتار الگو، تقلید می‌کنند.

بحث‌ن حجّه گدن چولرده سرگردان قالار

B□h□sn□n h□jj□ ged□n □oll□rd□ s□rg□rd□n g□l□r

برگردان: هر که با چشم و هم‌چشمی و تقلید به حج برود، در بیابان‌ها سرگردان ماند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۱). معادل مثل فارسی: «خلق را تقلیدشان بر باد داد».

بیری دوشسه قویا سنده گرک دوشسن؟

biri düšs□ qüy□ s□nd□ g□r□k düš□s□n?

برگردان: اگر کسی در چاه افتاد تو هم باید بیفته؟ (همان، ص. ۲۹۱).

تقلیدی به عنوان یک ارزش اجتماعی، مقبول است که آگاهانه و بر مبنای منطق و مثبت‌اندیشی باشد؛ و گرنه تقلید جاهلانه و کورکورانه نه تنها مفید و مثمر نیست، بلکه مانع خلاقیت می‌شود.

۴. نتیجه

از میان شاخه‌های مختلف ادبیات عامه اقوام آذربایجانی، ضربالمثل‌های ترکی با گسترۀ اعجاب‌انگیز خود، نقش گفتمانی ویژه‌ای در میان اقوام ترک‌زبان ایفا می‌کنند. این جملات کوتاه و ساده، شامل مضامینی هستند که اغلب با حوزه‌های مطالعاتی علوم

مختلف در ارتباط هستند و تأثیر بسیار عمیقی بر افکار و اعمال افراد می‌گذارند؛ بررسی روان‌شنختی ضربالمثال‌های ترکی، نشان می‌دهد که مثل‌ها می‌توانند ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی، وراثتی، رشد و قضاوت‌های اجتماعی و روش‌های تربیتی و فرزندپروری گذشتگان آشنا سازند. مطالعه جلوه‌های فرهنگی زبان ترکی، از جمله بررسی و تحلیل ضربالمثال‌ها، علاوه بر بیان مضامین حکمی، تربیتی و اخلاقی، اطلاعات ارزشمندی را در زمینه یادگیری افراد، تفاوت‌های فردی، انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی، تعارضات روان‌شنختی، چگونگی خلق و خوی، شخصیت فردی و اجتماعی گویندگان آن‌ها، در اختیار می‌گذارد که اغلب با نظریه‌های علمی روان‌شنختی قابل بررسی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خمیرمایه اصلی اغلب امثال و حکم ترکی، براساس جوهره اخلاقی استوار است. گویندگان مثل‌ها با مبانی تربیتی و خصلت‌های روحی و روانی افراد آشنایی داشته‌اند و نسبت به تجربیات علمی زمان خود، بهترین و والاترین مضامین اخلاقی و تربیتی را بیان کرده‌اند. و نمونه‌های بسیاری را می‌توان شاهد مثال آورد که رعایت اصول اخلاقی را در تمام مراحل زندگی، گوشزد می‌کند. از طرفی دیگر بررسی امثال نشان داد که در بیشتر امثال، تداعی معانی وجود دارد، زیرا دیدن وقایع زندگی، به دلیل شباهت آن‌ها با ماجرا یا پیام مندرج در امثال، آن‌ها را در ذهن فرد تداعی می‌کند.

منابع

- آرونsson، ا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه ح. شکرکُن. تهران: رشد.
 آقاتهرانی، م.، ساجدی، ا.، بی‌ریا، ن.، زارعان، م.، حقانی، ا.، مصباح، ع.، رهنمای، ا. و شاملی، ع. (۱۳۷۵). روان‌شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

تحلیل و بررسی روان‌شناسی برگزیده‌ای از ضربالمثل‌های... سکینه پیرک

اتکینسون، ر، اسمیت، ا، اتکینسون، ر، بم، د، نولم، س، و هوکسما (۱۳۸۵). متن کامل زمینه روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه م. براهنی، ب. بیرشک، م. بیک، ر. زمانی و س. شاملو. تهران: رشد.

احمدوند، م. (۱۳۶۸). مکانیسم‌های دفاعی روان. تهران: بامداد.
اسنودن، ر. (۱۳۸۸). خودآمور فروید. ترجمه ن. رحمانیان. تهران: آشیان.
الهوبردی ضیایی، ن، و خانجانی، ز. (۱۳۹۸). خودپنداره بدنی و نشانه‌های اختلال خودشیفتگی: مقایسه بین گروه عادی و خودشیفت. پژوهش‌های نوین روان‌شناسی، ویژه‌نامه اولین کنگره دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز، صص ۱۰-۱.

بهمنیار، ا. (۱۳۶۹). داستان‌نامه بهمنیاری. تهران: دانشگاه تهران.
پارسا، ا. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پروین، ل، و الیور، ج. (۱۴۰۰). شخصیت. ترجمه پ. کدیور و م. جوادی. تهران: آیژ.
تایسن، ل. (۱۳۸۷). نظریه‌های تقدیمی ادبی معاصر. ترجمه م. حسین‌زاده. تهران: نگاه امروز.
ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۲). فرهنگ ضربالمثل‌های فارسی. تهران: علم.
رایکمن، ر. (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه م. فیروزبخت. تهران: ارسیاران.
زرین‌کوب ، ع. (۱۳۵۷). تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن. ترجمه م. کیوانی. تهران: سخن.
ستوده، ه. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
سیاسی، ع. (۱۳۵۶). روان‌شناسی شخصیت. تهران: امیرکبیر.
سی برلانیر، د. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه غ. خوی‌نژاد، ج. طهوریان، ح. لطف‌آبادی، م. منشی طوسی و م. نظری‌نژاد. مشهد: مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی.
سیف، ع. (۱۳۷۰). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: آگاه.
شولتز، د. (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه ی. کریمی، تهران: ارسیاران.

صمیمی اردستانی، م. (۱۳۹۶). بایبینی بیماری یا پدیده‌ای اجتماعی. تهران: قطره.

عالی مهمندان دوستی، ذ. و داوید پناه، ن. (۱۳۹۴). بررسی مکانیسم دفاعی اسفندیار در نبرد با رستم.

ادبیات پهلوانی، ۴، ۷۱-۱۰۰.

فروید، ز. (۱۳۹۲). مکانیسم‌های دفاعی روان. ترجمه ح. گوهری راد و م. جوادی. تهران: رادمهر.

فیست، ج. و فیست، گ. (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: روان.

قادری، ا. (۱۳۹۰). اختلال شخصیت و سوسایی - اجباری. روان‌شناسی شادکامی و موفقیت، ۵۹، ۱۷.

کارکن بیرق، ح. (۱۳۹۲). نگرشی روان‌شنختی، آگزیستانسیالیستی و قرآنی به مقوله همنگی با

جماعت. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۴(۲)، ۱۱۳-۱۴۴.

کدیور، پ. (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.

کریمی، ی. (۱۳۸۹). روان‌شناسی شخصیت. تهران: دانشگاه پیام نور.

کریمی، ی. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: ارسباران.

کلارنس ج، ر. (۱۳۷۰). مباحث عملده در روان‌شناسی. ترجمه ح. وهابزاده. تهران: انتشارات و آموزش

انقلاب اسلامی.

مجیدی ذوالبنین، ح. (۱۳۸۹). خرب المثل‌های آذربایجان. تهران: اکباتان.

مصطفیح‌یزدی، م. (۱۳۷۳). آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

معود، ت. (۱۳۸۷). حکمت‌کلی مثل‌بر. تهران: عطایی.

نوین، ح. (۱۳۸۷). تحلیل روان‌شنختی امثال و حکم فارسی، پژوهش زیان و ادبیات فارسی، ۱۰،

.۱۰۸۸۵

نیری، م. و کاظمی تربقان، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه عزت نفس و انسجام درونی با بحران هویت

دانشجویان. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پژوهش، ۳ (۲۹)،

.۴۹-۲۶

یوسفی، م. (۱۳۸۹). اختلال شخصیت نمایشی (هیستریک). روان‌شناسی شادکامی و موفقیت،

.۴۷-۴۶، ۱۳

References

- Agha Tehrani, M., Sajedi, A., Biriya, N., Zarean, M., Haqqani, A., Misbah, A., Rahnama, A., & Shameli, A. (1996). *Psychology of development: with an attitude to Islamic sources*. Samt.
- Ahmadvand, M. (1989). *Psychological defense mechanisms*. Bamdad.
- Allahverdi Ziyai, N., & Khanjani, Z. (2018). Body self-concept and symptoms of narcissistic disorder: a comparison between normal and narcissistic groups. *New Researches in Psychology*, 10-1.
- Allami Mehman Dosti, Z., & Davoudi Panah, N. (2014). Investigating the defensive mechanism of Esfandiar in the battle with Rostam. *Heroic Literature*, 4, 71-100.
- Aronson, E. (2008). *Social psychology* (translated into Farsi by H. Shokrkon) Roshd.
- Atkinson, R., Smith, E., Atkinson, R., Bam, D., Nolm, S. & Hoeksma. (2006). *The full text of Hilgard's field of psychology* (translated into Farsi by M. Barahani, B. Birashk, M. Beyk, R. Zamani, and S. Shamlou). Roshd.
- Bahmanyar, A. (1990). *The story of Bahmaniari*. University of Tehran.
- Berlanier, D. (1995). *Educational Psychology* (translated into Farsi by Gh. Khoynejad). Unknown.
- Clarence J, R. (1991). *Major topics in psychology* (translated into Farsi by J. Vahabzadeh). Islamic Revolution Publications and Education.
- Feist, J., & Feist, G. (2008). *Theories of personality* (translated into Farsi by Y. Seyed Mohammadi). Ravan.
- Freud, S. (2012). *Mind defense mechanisms* (translated into Farsi by H. Gohari Rad, and M. Javadi). Radmehr Publications.
- Kadivar, P. (2011). *Educational psychology*. Samt.
- Karimi, Y. (1999). *Social psychology (theories, concepts and applications)*. Arasbaran.
- Karimi, Y. (2010). *Personality psychology*. Payam Noor University.
- Karkon Beyrag, H. (2013). A psychological, existentialist and Quranic approach to the category of matching with the congregation. *Interdisciplinary Researches of the Holy Quran*, 4(2), 113-144.
- Maabood, T. (2008). *Hekmat Li Meslr*. Atai.
- Majidi Zolbanin, H. (2010). *Proverbs of Azerbaijan*. Ekbatan.

- Misbah Yazdi, M. (1994). *Teaching philosophy*. Islamic Propaganda Organization.
- Nayyeri, M., & Kazemi Torbeghan, M. (2019). Investigating the relationship between self-esteem and internal coherence with students' identity crisis. *New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*, 3(29), 26-49.
- Novin, H. (2008). Psychological analysis of Persian proverbs. *Persian Language and Literature Research*, 10, 85-108.
- Parsa, A. (2015). *Persian proverbs and maxima an analysis and literary description*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Pervin, L., & John O. (2021). *Personalities* (translated into Farsi by P. Kadivar, and M. Javadi). Aiizh.
- Qaderi, A. (2011). Obsessive-compulsive personality disorder. *Psychology of Happiness and Success*, 87, 59.
- Ryckman, R. (2011). *Personality theories* (translated into Farsi by M. Firouzbakht). Arasbaran.
- Samimi Ardestani, M. (2016). *Pessimism of a disease or a social phenomenon*. qatreh.
- Schultz, D. (2002). *Theories of personality* (translated into Farsi by Y. Karimi). Arasbaran.
- Seif, A. (1991). *Modern educational psychology*. Agah.
- Siasi, A. (1977). *Personality psychology*. Amir Kabir.
- Snowden, R. (2009). *Teach yourself Freud* (translated into Farsi by N. Rahmaniyan). Ashiyani.
- Sotoudeh, H. (1999). *Social psychology*. Avaye Noor.
- Tyson, L. (2008). *Theories of contemporary literary criticism* (translated into Farsi by M. Hosseinzadeh). Negah Emroz.
- Yousefi, M. (2010). Dramatic personality disorder (hysterics). *Psychology of Happiness and Success*, 83, 46-47.
- Zarin Kob, A. (1978). *Iranian Sufism in its historical perspective* (translated into Farsi by M. Keivani). Sokhan.
- Zolfaghari, H. (2012). *A collection of Persian proverbs*. Elm.